نمایشگاه آثار ضبط شده قاچاقی

موزیم ملی افغانستان



ثور ۱۳۶۳

کمیتهٔ دولتی کلتور

ریاست کلتور

مدیریت عمومی موزیم ملی افغانستان

فهرست



بیانیه رئیس کمیته دو لتـــــی کلتور به مناسبت تدویر نمایشگاه

آثا رضبط شدهٔ قا چاقی د ر مو زیم ملی افغا نستان

حضار محترم و همو طنا ن شریف !

جای بسی مسرت است که بـه پیشواز از ششمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور کمیته دولتی کلتور نمایشگاه موقتی ازان آثار باستانی و کلتوری را تدویر مینماید کـــه دارای ارزش بزرگ فـــر هنگـــی میباشد .

استعمار با خصلتی که در طول تاریخ داشته تنها با به ز نجیـــر کشیدن توده های تحت ستم و به غلامی کشیدن آنها بسنده نکـــرده بلکه دست تطاول و یغما گری راتاربودن آخرین ره آورد های اقتصادی کلتوری وهنری آنها دراز کـــرده است .

کشور عزیز ما افغا نستا ن نیزچـــو ن دیگر کشور های در حـــال رشد آسیایی ، افریقایی وامریکایی لاتین در تناوب زمـــا ن و طـــو ل تاریخ ازمصیبت استعمار واستثمار در امان نما نده است . و میراث های کلتوری و باستا نی ما نیز به یغما رفته و تارا ج گشته است .

این امر را موجودیت صد ها اثر کلتوری و باستانی ما در موزیمهـــا و گا لری های رسمی و شخصـــی کشور های غر بی به ثبوت مـــی رساند .

نمایشگاه آثارضبط شده قاچاقی در موزیم ملی افغا نستان که امروز گشایش میابد سند دیگر یســـت قاطع مبنی بر داد و ستد و زد بند های نارواى چپاو ل گر ی قاچاقچیـــا ن فرهنگ ، در سطح ملی و

بین‌ا لمللی که جزء منافع شخصی‌و تملك و تجمع سرمایه مکلفیت دیگری را نمی شنا سند و لـــی‌حاکمیت‌خلق برسرنوشت وحراست از میراثهای پر غنا ی فر هنگـــی‌کشور دیگر برای سود جو یا ن و قاچاق چیا ن فرو ما یه محلی نمی‌گذارد تا مرز ها ی سیا ســـی اقتصادی منا فع اقتصادی و حریم‌کلتوری و فر هنگی آ نا نرا مورد تها جم و تعرض قرار دهد .

از آنجا ییکه آثار تاریخی وفـرهنگی متعلق به مردم افغا نستا ن و مظهر سهمگیر ی مثبت ایشـــا ن‌درسیر تکا مل میراث های فرهنگی عموم بشریت میباشد خلق افغـــانستان به حفظ ونگهداری‌آن منحیث وجیبه تاریخی علاقمندی خا صـــی‌دارد . اما قبل از پیروزی انقلا ب شکو همند ثور جبارا ن حا کـــم‌فیودالان کمپرا دوران نه تنها توجه به حفظ آثار گران مایه تاریخـــی‌کشور نداشتند بلکه آنرا مـــورد دستبرد و چپاو ل از مندانه خودقرار داده واز قا چاق آثار تاریخی کشور سرمایه وپول جمـع آو ری‌نمودند که خوشبختا نـه بعـد از پیروزی مرحله نوین و تکا ملـــی‌انقلاب شکوهمند ثور گا مهـــا ی موثری در حفظ آثار تاریخی و فـرهنگی کشور بر داشتة شد .

نظارت دو لت از طریق قانو ن‌حفظ آثار تاریخی و فر هنگی‌که در برج قوس سال ۱۳۵۹ نا فـــــذگردیده امکانات خو بتر در جهت حفظ آثار باستانی ما میسر ساخته‌است .

که ماثمر آنرا در نما یشگـــاه‌امروز مشا هده کرده میتوا نـیم . کمیته دو لتی کلتور لازم مـــی‌بیند تاز حمات و تلاشهای اعضاء و کارکنان موزیم ملی افغانستان را در تدویر این نمایشگاه به نظر قدر دیده و دوام موفقیت های مزیدرا برای آنان تمنا کند .

((تشکر))

• • •

یادداشت اداره موزیم ملی

مو زیم ملی افغانستا ن کــه نگهدار میرا ث ها ی فر هنگــی و کلتور ی کشور باستا نی ما مــی باشد . از دیر زما نی به حیث کانون تجمع آثار باستا نی و کلتور ی ، تو جه خاص محققین وعلاقه مندا ن داخلی و خار جی را به خود معطوف ساخته است .

این موسسه کلتور ی چــو ن دیگر تاسیسا ت مشا به از بدو ـ تاسیس تا امروز سیر تکا ملــی خویش را پیموده است . کـــه کلکسیو ن ها ی آثار غنی وباارزش دوره ها ی مختلف تا ریخی و مـا قبل التاریخ را احتوا میدارد .

موزیم ملی همیشه تلاش نمــو ده است با استفا ده از فر صت های مناسب پدیده ها و آثار جا لــب وباستانی را که محصو ل جهـان بینی نحوه اند یشه و مها ر ت هنرمندا ن و مو لد ین ز حمت کش کشور عزیز ماست به معر ض قضا و ت علاقه مندا ن کلتور واهل تحقیق قرار دهد ، تا وظیفه از و ظا یف مبر م و همیشگی خو یش را به جا نموده باشد .

اینک به ارتباط آن موزیم ملی افغانستا ن نما یشگاه مو قتــی جدید ی رابنا م آثار ضبط شـــده قاچاقی که برخور دار از کیــفیــت خاص بوده و مبتنی براصل مسوولیت همگانی در بخش حــراست از پدیده های کلتور ی که در واقـــع ملکیت وافتخارا ت بشری را تشکیل مید هد ، تدو یر نما ید .امیدواریم در پرتو ارزشها ی قوانین ومقررات مو ضو عه در مورد وحفظ ونگهداری آثار باستا نی ، دو لت جمهــور ی دموکراتیک افغانستا ن که پیوسته توجه و علاقه مند ی خا ص مبذو ل داشته اند موزیم ملی ا فغا نستان بتواند وظا یف خویش را به نحــو شایسته انجام دهد . تشکر

داکتر عبدالرو ف وردك ونجیب‌الله پوپل

آثار باستانی مادرگیر و دار نجارت پیشگی و قاچاق

سده ها ی هژدهم و نزد هم‌تنهامحك ازمو ن استبداد لگا م‌گسیختگی ها ووحشیگر ی ها ی جنگ طلبا ن‌وما جرا جویا ن استعما ر انگلیس در محدودیت ها ی صر فاقتصادی‌وسیاسی نبوده بلکه راو ی تجاوزات وتعر ضا ت صریع استعما ر چپیا ن‌کلاسیك بوده است بر کلیه زمینه ها وشئون مقد س. زند گی‌اجتماعی‌وفر هنگی خاور زمین منجمله‌کشور مـــا .

فر مانروا یا ن ما جرا جو وافسانه‌ساز بکنگهم این ریسیا لیستـــا ن متعصب انگلو سا کسو ن‌که خواب‌ها ی پریشا ن جها نخوار ی ناشی از تراکم سرما یه ها ی چـپا و ل‌کرده آنهارا به جنو ن کشور کشایی وآد م کشی وامیدا شت ، اینبا رتحقق آرمانها ی حریصا نه و غـیر شریفانه خود رادر پاما ل کـرد ن‌شیرازه زند گی شر ق کهن‌دیدند. شر ق اندیشمند که در زیـــرسم ستورا ن بیبا ك دار یو شها ، مغلان ویو نانیا ن و چنگریا ن نیـزلحظا ت آرامش خود را از دســـت داده بود .

سود جو یا ن وآقایا ن در بار ی‌بریطانیا ی کبیر که ما شین فعا ل چپاو ل استثمار واستعما ر قـــرن‌را رهبر ی میکردند با درك‌وتشخیص

دقیقانه و محیلانه نقطهٔ ضعف ایـــن‌پیکر مجد آفرین راباز یا فتند . و کپسو ل پراز پرا ز یت استعمـــا ریعنی «کمپا نی شر قی هندبر یطا نو ی »رادر نیم قاره هند جا یی که‌از ناروا یی ها و مظا لم فیو دالیزم و حا کمیت پراگنده ملو ك الطوا یفی سخت به خود می پیچید جا بجا کرد .

به کمتر ین مد ت ریشه ایـــــن‌سرطا ن که خود مو لود نا میمون انقلاب صنعتی ۱۷۸۵ و سالهـــا ی‌بعد ازآن در غرب بود از دره های پرخم و پیچ خیبر و بو لا ن گذشته‌مهما ن نا خوانده کشور عزیز مـــا گردید .

کرا هت و حیله گر ی و حشـــت‌وبر بریت وچپاو ل ره آورد وسو غا ت یغما گرا ن چو ن الکسا ندربرنس میجر لیچو لفتننت ، مکنا تن ، سرجان کین ، کپتان و ید و غیره‌بود که از چا نته استعمار بنـــــا م فرهنگ بر تر از نژاد بر تر ومتمدن‌به کمك سر نیـــزه ودور تفـــنگ سخاو تمندانه‌پخش میگردید .سفیران‌استعمار پهلو ی پیاده‌کردن فرهنگ جدید «دیواید اند رول» با استفاده‌از فر صت ها ی مناسب به‌چابیدن کلیه دارا یی ها ی سر زمین ها ی‌مفتوحه نیز می پر داختند . در آن گا هی که حرار ت آتشین آفتـــاب‌مناطق حاره چو ن سر نیزه هـــا ی گداخته وآتشین بیبا کانه از پوست‌سیاه سوخته وتر کیده زنا ن محنت دیده این نواحی گذشته استخـــوان‌آنهارا رنجه میکرد . «بانـــــوان در بار ی پایتخت ها ی ارو پا بـــاموسلین ها ی ظریف هند ی جلـــوه فروشی » (۱) میکردند .

دست تطاو ل بر دارا یی هـــا ی‌کلتور ی ، سر زمین ها ی‌مستعمره نیز دراز گردید وپار چه ها ی‌نفیس‌هنر ی وباستا نی آنا ن که هر یك مبین طر ز اندیشه ، جها ن بینی ونحوه بینش ورشد و تکا مل‌ذهنیت ها واستعداد ها ی خلاق هنر مندان‌کشور های استعمار زده بود بـــه نحو از انحاراهی شهر های مزدحم‌بزرگ وپر از آشو ب ارو پاگردید . که‌امروز زینت ده گالر یـــــها ومشهور ترین موزیم های آن سا مان گردیده‌است .

---

(۱) تاریخ جها ن باستا ن جلـد(اول) صفحه ۲۸۹

کشور عزیز ما از لحاظ غنای فرهنگی و داشته های کلتوری نیز توجه چپاولگران آثار باستانی و هنری را قرنها به خود معطوف داشت .

آنها با استفاده از متون تاریخی که ره آورد سفر های زائرین چینایی چون FA-Hsien (فاهین) در قرن چارم بعد از میلاد و هیوانتسانگ Hiuen- Tsang در نیمه های قرن هفتم میلادی و نبشته ها و یاد داشت های اعراب و دیگر سیاحین و جغرافیه نویسان و متون چون حدودالعالم (۹۸۲) میلادی و یاقوت (۱۴٦۱) بعد ازمیلاد . از حوزه ها و حدودیکه در آن جاها مدنیت های شکوهمند گذشته به خاك سپرده شده بودند آگاهی حاصل کردند کاوشگران کشور های سرمایه داری با استفاده از اعمال نفوذ سیاسی خویش در دربار های سلطنتی مسخ شده و غیر ملی به کلتور ما تهاجم نمودند .

مقدم بر همه چارلس مسن بریطانوی میباشد که درشروع قرن نزده در جمع قشون بریتانیای کبیر راهی کشور عزیز ما گردید. او چهارده سال (۱۸۲٦ــ۱۸۴۰) به حیث نماینده سیاسی ، سکه شناس باستانشناس و محقق و کار آگاه از طرف کمپنی شرقی هند بریتانوی به کشور ما صادر گردیده بود. با استفاده از ماسکها و چهره های مختلف در کابل در جامعه ارامنه سکنی گزید و بر علاوه تشبث بر امور سیاسی ، آثار و بنا های باستانی وکلتوری کشور ما را در مقابل مستمر که از مقر فرماندهی استعمار بدست میاورد مورد بازرسی ودستبرد قرار میداد .

این سر آغاز وافتتاحیهٔ بود ازفصل تجارت پیشگی و قاچاق آثار باستانی مادر تاریخ معاصر .

چارلس مسن حفریات خودسرانه و غیر علمی را طور پیگیر ومتداوم درشهر ها ، حوزه ها ونواحی گوناگون ادامه میداد .چنانکه اودر یاد داشت هایش مینویسد ((من بدون خواستن اجازه از هیچکس به حفریات خودشروع مینمودم))

---

۱ ــ حکایت سفر های گوناگون در بلوچستان ، افغانستان و پنجاب جلد اول ــ چارلس مسن.

همچنا ن او علاوه می کند .

«تقریبا یکسا ل بود که درمملکت بکلی آرامی حکمفرما بود و مرا جرئت داد که در باره کند ن بعضی تپه های ساختگی امتحا ن نما یم که آیاتحت اعترا ض کسی واقع میشوم یانه » (۲) وبدینترتیب راه رابرا ی حفر یا ت خود سرا نه هموار نمود . تپه ها و آبدا ت راکه حا ئز اهمیت زیاد بود تحت حفر یا ت قرار داد جا ها ی را که به منظور دست یا بی به آثار باستا نی حفریا ت غیر علمی نموده است شامل باميا ن ،بگرا م ، کابل ،جلا ل آباد نیز میگردد که بلاشك او با چنین حفریا ت غیر علمی و غیراصو لی صد ها پار چه هنر ی با اهمیت راز بین برده است . او می نویسد« ما کاوش را در تپهٔ که در حو مه کوه تخت شاه که نزد یک زیار ت پنجه شاه مردا ن در دهن قول شمس یاد میشود شروع نمودیم» (۳) اوازچشمه وچند درخت که نزدیك آن واقع شده بود ذکر ی بعمل آورده مینو یسد « که در زیر یا به طر ف شر ق آن قلعه وبا غ که به اخو ند هدا یت الله تعلق داشت واقع شده بود. البته این محل شاید به بسیار ی اشخا ص آشنا باشد ». (۱)

او علاوه می کند که «پسر اخندهدایت الله دلچسپی داشت که کار مرا پیش ببرد تپه مذکور که کاررادرا ن شرو ع نمودیم دو طبقه داشت طبقه فو قا نی و طبقه تحتا نی .درطبقه فو قانی تپه یك چقر ی بودكه برای ذخیره آب ویایك خانه بود ...

از آنجا چرا غی فلزی بدست آمدکه به هدا یت الله داده شد واز این تپه خشت خام که شا نزده ا نچ مربع و شانزده انچ ضخامت داشت بدست آمد ، که به یك طر ف خشت نشانه پنجه وطر ف دیگرا ن علامه نمبر ٤ بود که مرد م آنرا ازنا حیه زاکو م شاه Zakum Shah

---

۲ ـ حکا یت سفر ها ی گوناگون در بلو چستا ن ، افغا نستا ن پنجاب جلد او ل ـ چارل س مسن

۳ ـ حکایت سفر ها ی گوناگون در بلوچستان ، افغانستا ن ،پنجاب جلد او ل ـ چار لس مسن

۱ـ حکا یت سفر ها ی گوناگون در بلو چستا ن ، افغا نستا ن و پنجا ب جلد او ل ـ چار لس مسن

میدانستند)). (۲) او همچنان می نویسد ((ظرف چهار یا پنج روز تابه یک سمت تپه یك طاق یعنی روا قی راکشف نمو دیم که دارا ی تز یینا ت ودوستو ن پا یه خرد بود که در زیر آن چند ین مجسمه گلی رایافتم کله بعض آنها سالم بود)) (۳) مسن مجسمه های مذکور را چنین شر ح داده است که اشکال مونث وچهره های منظم و مقبو ل داشتند . همین اشکال اصو لا به یك طبقه که نقا ط سرخ وسفید داشت پو شیده شده بود وهم یك ورق نازك طلایی روی آنها را می پوشا ند . مجسمه ها دارا ی مو ها ی مجعد بوده که به بسیا ر خو بی تر تیب شده بود . با رنگ آبی کار شده بود ویك گوشهٔ آن به رنگ طلایی و لاجور د ی پوشیده شده بود . با مجسمه ها ی مذکور مجسمه های کوچك دیگر که آنا نرا گد ی نامیده است نیز بد ست آمد ه که دارا ی جسا مت ها ی مختلف بوده اند. مسن همچنان علاوه میکند که ((پسر آخند هدا یت الله و رقها ی طلایی را که ازروی مجسمه ها بدست آورده بود به یك زرگر بفروش رسانیده که از این کار خود راضی بود)). (٤)

چنین مجسمه ها که رو ی آن ورق طلا کار شده با شد به جز یك کله بودا که از تپه خزانه «درنزدیك سینما پامیر » بد ست آمده است ومربوط قرن ۵الی ۷ میلادی میباشد دیگر اثر ی در مو زیم ملی موجود نیست . فکر میشود که در حصص شر قی کوه شیر دروازه معبد بزرگ بو دا یی مو جود بو ده است که مجسمه ها و آثار تاریخی زیاد داشته است معبد مذ کورتوسط چار لس مسن طور ی از بین رفته است که امروز اثر ی از آن بجا نما نده است .

---

۲ ـ حکا یت سفر ها ی گو ناگون در بلوچستا ن ، افغانستا ن وپنجاب جلد او ل ـ چا رلس مسن

۳ ـ حکایت سفر ها ی گونا گون در بلوچستا ن ، افغانستا ن وپنجاب جلد او ل ـ چار لس مسن

٤ ـ حکایت شعر ها ی گوناگون در بدخشان افغانستان و پنجا ب جلد اول ـ جار لو مس

۱ـ مسلما چارلس مسن یك آبده بودا یی راکشف کرده است ، که هم عصر تپه خزا نه بوده است . که یك آن به جنا ح شر قی کوه شیردروازه ودیگرا ن به جنا ح غر بی آن قرارداشته است .

مسن به کار تفحصا ت خود درحدود کابل بسنده نکرد چنا نچه تذکر دادیم شهر ها ی قد یـــــــم بگرام ، با میان و جلال آ بـــــاد را کاوش نموده ا ست . او تنهاازاسکند ریه بگرا م توا نسته است درحدود سی هزار سکه راکه شامل‌مسکو کا ت زیبا ی یو نا نوباختری وکوشانی نیز میگردد جمع آور ی‌کند راپور ها ی منتشر ه در ایـــن مورد در شمار ه ها ی ا الی ٥ جورنال اسیا تیك سو سا یتی اف‌بنگال
1840 Journal of the AsiaticSociety of Bergal
مونید این ادعا است .

چارلس مسن در نزد یکی جـلا ل‌آباد در بستر دریا ی کابل تعـداد زیاد ستوپه هارا کشف وبه قلب‌آنها دست دراز ی کرده است که در نتیجه این تشبثات وی ریـلـی‌کوپر
طلایی ستوپه تپه بیمارا ن زینت‌افزای بر یتش مو زیم در لنــدن گــردید (شکل۱) داکتر بر هونیگ‌هونیگ برگر Dr. M. Honiqberger



سویسی و گرارد J. Gerard (۱۸۳٤) مور گرا فت Mocrcraft وتربك Trebek نیزاز جملهٔ کسا نی بودند که راه مســـن را مشتاقا نه پیمو دند . که مخصوصا نتائیج ککار داکتر هونیگ برگرا میتوا ن در شماره ها ی هـجده ، سی و شش و سی و نه جور نا ل اسیا تیك سوسا یتی ا ف بنگا ل مورد مطالعه اشتماج قــرار داد.

اورا ق روز گار همچنا ن رو یهم‌انباشته می شد وتاریخ ادامه ویاد این چنین معا مله گریها وناروا یی‌هارا با شکیبا ی تما م به حا فظـه میسپرد .

روز مو عود فرارسید و مـــردم‌ما با استعمـار گرا ن انگلیسی که داعیـهٔ فرمانروا یی بر جهان‌را حق‌مشرو ع ومسلم خود می انگا شتند محاسبه قاطع وتاریخی بعمل‌آوردندونتیجه آنرا که آزادیست در یـك هزار و نهصد ونزد همین (۱۹۱۹)صفحه تاریخ مسیحی جاو دا نه حك نمودند . دو لت در مسیر تا زه‌به‌حرکت افتاد واراده حکو مت ومردم

درامور سیاسی واقتصادی وکلتوری‌دخیل گردید که بالنتیجه قرار داد سا ل (۱۹۲۲) را که کار در زمینه‌باستا نشناسی را در چو کـــا ت قرار داد ها ی رسمی و تحت‌نظارت‌دولت افغانستا ن تنظیم می کرد باز آورد .

باستا نشناسا ن فرا نســـو ی‌او لین دسته بودند که بعــــد از استقلال افغانستا ن مو فق به عقدقرار داد در زمینه حفـــر یا ت در نوا حی باستا نی کشور ما گر دید((باساس این قرار داد بـا یـست اشیا ی مکشو فه منحصر به فــردو آثاریکه از فلزا ت و احجا رقیمتی ساخته شده بدو ن قید و شـــــرطما ل دو لت افغانستا ن شنا خـــته وبه موزیم ملی کابل انتقا ل داده‌شود ودراشیای متعدد قسمت‌مساوی معامله میشود البته حق نشر یا ت‌آنرا هیئا ت باستا نشنا ســـی در افغانستان دارا میباشد .)) (۱) .

افغانستا ن اهمیت و جا ی خودرا در نقشه باستا نشنا سی جها ن ثبت کرد و کشور ها ی متعدد ی چون ایتا لیا ، شوروی ، ا مر یـکا انگلستا ن ، هند وجاپا ن توانستند قرار داد ها ی عقد نما یند وشگفتی ها ی از میراث ها ی کلتـــور ی نیا کان مارا به جها نیان معرفـــی نماید .



ولی به مرور زما ن قرار داد های تعهدا ت آهسته آهسته رنگ‌باخته وکم اثر میگر دید ا یـــن امر را موجودیت مجسمه گلی منحصر بفرد بودا (شکل) ۲ مکشو فه فندقستان مربوط قرن۷ میلادی و پارچه (۲)

۱ـ رساله د افغانستان دموزیمنواو لر غونو آثار و دستا نی به‌شاو خوا لند معلو ما ت صفحه ۳٤

۲ـ تحقیقا ت با ستا نشناسی‌در افغانستا ن ـ ها کن سا ل۱۹٦٥



کنده کاری شده ازعاج (۱)مکشوفه بگرام که حصه از یك بکس آرایش میباشد وفعلا در موزه گیمه‌پاریس میباشد ، در حالیکه خود اثـــر در موزیم ملی افغانستا ن مو جوداست شکل ۳) ویا ظر ف برنجی مشکـل کاسه که در کیور کین فو ند یشن نیویارك این ادعا رابه‌ثبوت‌رسانیده به حیث مثالهـا ی کو چك مشـت نمونه خروا ر در ین مورد ســوال شك وتردید را به جا نمیگذارد .

شکل (۳)



شکل (٤)

بنابر ما حیث غیر ملی وارستو کراتیك رژیم ها ی فاسد و حا کــم برکشور در چند دهه اخیر که بـر محور خود کا مگی ولاقید ی دربرابر منافع ملی در چر خش بود مـضاد وتاثیرات نا مطلوب اخلاق‌فیودالیته به حیث جـــو ا نه ها ی سود۔ جویی دبول اندو زی در پد نـــه جامعه ما که سر خورده از یـــك اتو شیزم سیا سی ، اقتصادی بود سر زده وشد سریع نمود . ایـــن امر مو جب گردید تا مشتی از فر۔ صت طلبا ن تجار ت پیشه و غـیر مسئو ل دارا یی ها و داشته های

۱ـ کتاب Indian Ant تالیف Philip Rawson رو ی جلد و صفحه (۱۵)

۲ـ آرت شرقی جلد ۲ سال۱۹۵۷ صفحه ۳۳۷

کلتور ی وباستا نی کشور ما رادربرابر مقا دیر نا چیز پول مـــالـ التجاره تجملی و لو کس وارد از غرب معاو ضه نما یند .

و بر حسابا ت با نکی دارا یی‌های‌منقو ل و غیر منقو ل خود بیفزایند

فر صت ها ی منا سب در کشورمعامله گرا ن و کلکسیو نر هـــای خار جی رابسو ی کشور ما بیش‌ازپیش کشانیده وبازا ر خر ید و ـ فروش آثار باستا نی را چا قـــتر نمود .

بنابر عوا مل یك تعداد آثـــارباستانی نیز از طریق گمر کـــات ومراجع دیگر ضبط و وارد مو زیم‌ملی میگردید ، که نه تنها نمیتواـ نست محك صداقت تام وعلاقمندی‌جد ی ارگانها ی مسوو ل درگذشته باشد بلکه بر چگو نگی‌قضا یـــا ی‌آثار باستانی ما در گیرودار قا ـ چا ق روشنی انداخته و مو ضو ع‌راهرچه بیشتر قابل تجزیه و تحلیل میسازد .

سپیده دم انقلاب به حیث نقطه‌عطف مبارزا ت ملی در تثبیـــت و حراست هویت ملی ما به تاریـــخ‌معا صر کشور را آذین کرد . و به حیث شاخص قا طع ومنطقی درعر صه حیا ت نو ین مرد م ما طـوری پدیدار گشت که حدود بی مبا لاتی‌حاکمیت اشرا فی و بیرو کرا سی فا سد ناشی از آنرا در نقط مقا بل‌حاکمیت مرد م قابل رو یـــت و مشخص گردانید .

امور مربو ط به دو لت و ملـــت‌بسو ی افق ها ی روشن و تا زه مطابق به منافع توده ها ی‌آرزو مندبه جریان افتاد .

وضا بطه های منطقی و ا نقلابی‌سیاست کلتور ی نیز در کنا ردیگر طر ح ها ی جامع وسا زنده توانست‌نقطه پایان را در فر جام آ خر یـــن سطر از فصل چپاو ل و دستبرد به‌آثار باستا نی و کلتور ی مـــــا بگذارد . قانون حفظ آثار تار یخی‌وفرهنگی و مقرره تنظیم اجرا آت و فعالیت ها ی کمیته دو لتی کلـتورجمهور ی دموکرا تیك افغا نستا ن طرح وتدوین وبعد از مراحل قانونی‌نافذ گردید این وثایق با محتوا و کیفیت کاملا دموکراتیك برای اولین‌بارقدم بعرصه‌تطبیق گذاشت‌وحدود حقو ق ووظایف و مکلفیت های‌مردم‌وحکومت را در برابر میرا ث های گرانبها ی کلتور ی کشور عزیـــزروشن و تثبیت نمود .

در کمتر ین مد ت ما شا هدسرازیر شد ن صد ها پار چه آثـار گرانبها ی کلتور ی وبا ســتا نی‌به موزیم ملی گردید یم که هر یـك مظهر ظرافت ونفاست و بیا نگــرابتکار هنر مندا ن این سا ما ن و علو ی اندیشه وایما ن آنا نی بوده‌است که اینهمه هنر آفـرینا ن را در آغوش پرور ده است .

آنچه تحت عنوا ن ((آثارقاچاقی))در موزیم ملی حفاظت می گــردد مشتمل به صد ها پار چه از پد یده‌ها ی باستا نی و هنر ی دوره های قبل التاریخ، دوره بودایی، اسلامی،اتنو گرافیك ومسکو کا ت میبا شد که بوسیله مقا ما ت مسئـوو ل وصلاحیت دار دستگیر و مصا در ه گردیده اند .

موزیم ملی مصمم گردید درچو کات و ظایف‌اساسی خود نمایشگاه از این کلکسیو ن خود را بــرا ی‌اولین بار تدو یر و به معر ضــــ تماشا و قضاو ت همو طنا ن‌ارجمندقرار دهد .

تابر محك قضاو ت سلیم آنا ن‌حسن احترا م و حراست از دارا یی ها ی ملی و زشتی دستبرد و غارت‌اینچنین داشته ها ی که ((متعلــق به مردم افغا نستان و مظهر سهم‌گیری مثبت ایشان در سیر تکامل میرا ث فر هنگی عمو م بشریت‌می‌باشد)) (۱) هرچه مبرهن‌وروشنتر گردد.

۱ـ قانو ن حفظ آثار تاریخی وفرهنگی (رسمی جریده)شماره‌هجدهم ۳۰ قوس سا ل ۱۳۵٦ صفحه ۲

***

نجیب الله پوپل

نگاهی به گندهارا و هنر آن

از آنجاییکه در این نمایشگاه در کنار دیگر آثار دلچسپ هنری که هر یك بیانگر ارزشهای هنری و ممثل بخش های از کلتور دیر پاو برازنده مردمان این ناحیه از جهان میباشد ، آثار دوره بودایی مربوط مکتب هنری گندهارانیز جلب توجه میکند . لازم می افتد تابا استفاده از نظریات وبرمبنای تحقیقات و فرآورده های علمی دانشمندان وباستانشناسان در این زمینه مختصر معلومات راجمع آوری نموده ، و تقدیم خوانندگان این رساله نماییم .تا باشد به خصوص برای آنعده ازبازدید کنندگان محترم که کمترین معلومات را پیرامون این مکتب پرشکوه هنری دارند ، مفید واقع گردد .

گندهارا اگر در قدیمترین متون واسناد جستجو نماییم ، به ریك ویدا بر میخوریم که خاطره آنرا از یکهزار و دو صد سال پیش از میلاددرسینه دارد. (۱)هخامنشیان ایران آنرا و جز امپراطوری خویش ساختند (۵۵۸-۲۸) قبل از میلاد . و منابع هلنستیك رومی و چین نیز از گندهارا نام برده است . «دار یوش پادشاه در کتیبه بیستون خویش گندهاراییها را به حیث مردم تابع خود

۱- تلك دانشمند هندی قدامت ریگ ویدا را پنج الی شش هزار سال قبل از میلاد تعین میکند گزیده های سرود های ریگ ویدا ترجمه سید محمد رضا جلالی

ذکر کرده است . آنها در مقابل یونا نی ها در ۴۸۰ و ۴۷۹ در سپاه خشایار شاه Xerxes امپراتوری هخا منشی جنگیدند»(۲) پار تی ها وسا که ها Scythian نیز بر گند هارا حکـــم را ند ند ، سکندر کبیر (۳۲۷ ـ ۲۶ قبل‌ازمیلاد) ویو نا نیا ن با ختر ی شده چون خانواده ها ی دیـــود و تایو تیدم وایو کرا تید حدود دوصد سا ل بر گند هارا این گـــهواره‌پرورش مکتب هنر ی«گریکوبودیك مسلط گشتند .

بادیه نشینان سیتی کا نسوگند هارا را چو ن دل در سینــه امپرا تور ی پهناور و شکو همنـدخویش نگهدا شتند ودر سروسا-ما ن داد ن مکتب هنر ی گند هاراکه قر ن ها مظهر اندیشه ها وجها نبینی ذو ق وسلیقه نسلها ی‌پیایی‌ساکن در این منطقه از جها ن مـی باشد گردیدند .

تاسیس امپرا تور ی بزرگـــ‌کوشانی در این منطقه از خـا و ر زمین که کجو لو کد فیزســـ (۴۰میلادی) اساس آنرا گذا شت و بـه خصوص در عصر کنشکا کبیر بـااحرا ز موقعیت خا ص جغرا فیا و ی ونیز مراو دا ت بازر گانـــــی و تجا ر ت باشر ق و غر ب یعنی هند ، وچین ،ایرا ن ، بین النهرین‌اسکندر یه ، مصر ، وامپرا تور ی رومن که نتیجه هوشیار ی وذکاوت‌طبیعی سیاسی فر مانروا یا نومردم این ساما ن بود پیش از پیش زمینه‌گسترش و رشد و تکا مل مبا نی اقتصاد ی ، سیاسی و فر هنگی رادر قلمرو وسیع کوشا نیا ن گـــه گند هارا بخش از آن بود فرا هـم‌آورد .

گندهارا به زعم اکثر دانشمندان«حصه ایست در جنو ب هندوکش شر قی واز سر چشمه رود خا نه‌کابل تا انك‌را در بر میگیرد))(۱)که محلات عمده آن نا گار هارا ، هد ه‌کنر ها ، پشاور ، سوا ت ، دره‌های بلو چستان ، شپول ، شهباز گری‌بسنغر تکسیلا ، شهر بهـلو ل ، چهار صد ه ، موراموراً دو ، شا جیکی ،در ی ، بها و لپور اسکیمنه، منیکیا، کنکا تیلا، کا نشکـاپور ،مردان)) تعین گردیده است که البته

---

۲ ـ افسانه بو دا در مـــو زیم‌پشاور نو شته فدالله صحرا یـــی
۱ ـ تاریخ افغانستا ن جلد دو م‌صفحه ۳۳۱ استاد احمد علی‌کهزاد.
۲ تاریخ امپرا تور ی کوشانیان‌جلد او ل صفحه (۶۳) نظر محمــد عزیزی .

هده مقا م والای رادر سیر تحو ل وتکامل و تجلی هنر گریکو بودیک داشته است .

جلوه ها ی هنر در گند هارا

دیانت بودایی درقرن ۳ قبل از میلاددر دورا ن حکمر وا یی اشکو کا ـ امپرا تور بزرگ مور یا یی هـندکه بر قسمت ها ی از افغانستان حا کمیت اش تثبیت گردید با فر ستاد ن مبلغین بودا یی چـو ن ((مجهان گیته دهماره گیته وهماره گیته)) (۱) در گندهارا ترویج گردید وتعمیم این دین در تحت حما یـت کنشکا امپرا تور بزرگ کو شانی که محققین اورا مود ل اشو کـا درپاسداری و حمایت از بودینرم می دانند به خوبی برآورده شده .

در عصر این امپرا تور که فضای صلح ورفا واسا یش امنیت بـر سراسر قلمرو پهنا ور او سا یـه گسترده بود ، هنر در گند ها رابه ذوروه تر قی کما ل اعتـلا ی خود رسید .

هنر مندا ن گند هار ی که ذوق واستعداد طبعی خـویشـ را در اصطحکا ك باهنر مندا ن و پد یده های هنر ی گریکو و رو من متجلی گردانیده بودند ، در پی فر صتی مناسب بودند تابوسیله مهار ت و توانا یی خویش ایمـا ن واردا ت خود را در مواد طبعی چو ن سنگ ستو ك و گل و تیره کوتا متبلو روجاو دانه سازند . ((مقار ن قـرن او ل مسیحی تغیر عمیقی در تیو لوژی بودا یی به ظهور میر سد . وانشقا قی بین بودایيا ن طـور ی پدیدار میگردد که گرو هی طر یقه هینا یانارا پیرو ی می کنند ودسته مهایانا رابرگزیدند.)) (۲) باوصف آنکه عراده کو چك یا هیتایاناتاسده (هفتم) که ذائر چینی هیـوا ن تسانك از گند هارا دیدار نمود پا ـ برجا ماند ، و لی اکثر یت راپیروان مهایانا تشکیل میداد . زیرا فرصت مطلو ب برا ی پیکر تر اشا ن گند هار ی در دایره مها یانا میسرشده میتوانست . بالنتیجه بر علاوه ده ها ابدا ع وطر ح های جدید در هـنر پیکر تراشی برای او لین بارمجسمه

---

۱ ـ تاریخ مختصر افغا نستان جلد او ل صفحه (۴۹) پو هانـد حبیبی .

۲ ـ روشنهای هنر ی مکا تیب گند هارا ، متو را و امر وا وا تی مجله آریانا شماره پنجم سال نزدهم صفحه (۳۶)

های بودا نیز پا به دایره هستی گذاشت .
و به «حیات جهانی و دنیوی بودا اهمیت داده شد . طوریکه از تولد الی و مرگ تمام افسانه ها به بسیار دقت کنده کاری گردید . در پنل ها اوپوزیشن مرکزی رادارا می باشد ونظر به ردای مرتاضی هاله نور واجره پانی همراه همیشگی اش » (۱) و علایم مشخصه دیگر چون اوشنی شاه اورنا و درازی نرمه های گوش ... وعاری بودن ازتزئینات واستعمال زیورات که سادگی موقرانه و مرتاضانه به او میبخشد به آسانی تشخیص میگردد. در حالیکه پیروان مدرسه هنری سانچی و بهار هوت در تحت سیطره ونفوذ عقیدتی هینایانا هنوز جرئت تمثیل فورم انسانی بودا را نداشتند وبودایی ها غیر گندهاری به نیایش سمبولهای چون تخت بودا ، چتر بودا، سوستیکا لنگی بودا و غیره قناعت می نمودند .
هنرورا ن گندهارا به سرعت مدارج ارتقا پیکر تراشی را می پیمودند ، چون هنوز معیارهای هیکل تراشی مکتب لیسیپوتکنیک وایکونوگرافی پولی کلت رامعتبرمیداشتند .
اگر ورود هنر مندان غرب راچنانکه پروفیسور دانی Dani نیز بدان به نظر تردید می نگردمو جه ندانیم در بکار برد تکنیک پارچه های هنری هیکل تراشی گریکو ورومن به حیث مودل های قبول شده به اساس تحقیقات مداوم باستانشناسان ودانشمندان داخلی و خارجی کوچکترین شکی به جا نمیماند .
در پرتواسم با مسمی این مکتب هنری «گریکو بودیک» میتوان به کنه وشالوده مدرسه هنری گندها را پی برد و امتزاج وآمیزش این دو مضمون و پدیده را که یکی از هلن ودیگری از کاپیسا و استوپه بر خاسته اند ، و در سرزمین موعود گندهارا مدرسه هنری شکوهمندی را بنیادگذارده اند دریافت .
هنر گندهارا چون مضمون نغز یست صوفیانه از شرق که در لباس و محدوده سبک گریکو رومن شکل بندی گردیده

---

۱ ـ افسانه بودا در موزیم پشاور نوشته فدا الله صحرایی صفحه ( )

است . در واقع هنر مند گند هاری«دست یونانی و قلب هند یداشته است » . (۲)

مجسمه ها ی بو دا درگند ها رابه و فر ت تو لید گردید به منظور پرستش به طور آزاد و در کنا ررا هبین والهه ها برا ی نصب در رواق‌ها ی ستو په ها و صو معه‌ها و حتی معا ملا ت تجا رتی تولید مجسمه های بود یزتوا هاو یکشی ها که مستلزم دقت و ظرا فت بیشتر بود بادو نرها وپرستش کنند گا ن بر همنی وپیروا ن محلی در کنا ر بو دا آر شیف دلچسپی را از رسو م وعادات مذهبی وزند گی مادی و معنو ی‌مردم گند هارا تشکیل مید هد .

هنر مندا ن گند ها ر ی رابسی‌باید ستود ، آنها با بکار برد موا د طبیعی و محیطی سنگ‌شیست‌ستوك‌چونه ، و کل ، سا پ ستو ن نه تنها تم ها ی صر فا مذهبی راجاویدانه سا ختند بلکه عوا من هلنستیك وغربی راچون هیرا کلس‌تریتو ن اتلانت هارا در سا خته های خود به حیث عنا صر تز یینی‌ونیز در ساختما نها ی بو دا یی‌به کار برده وزنده نگهدا شتند .مخصو صا با پیشکش نمود ن ونما یش «تیپ های نژادی وقومی »(۱)مخصو صا کوشا نیا ن رسا لت هنر مندانه خود رابو جه احسن‌انجام‌دادند . که آثار هده شتر ك وپاتیاوه مو ثید این ادعا ست .

در آثار گند هارا خصو صیا تی‌موجود است که به سهو لت آنرا از مکاتب دیگر هنری جدا می سازدبه طور مثا ل مکتب گند هارا در تمثیل وریخت جسم انسا ن بادرنظر داشت تناسب فز یکی بشیوه ریالستیك عمل می کند دیگر اینکه‌شخصیت ها لباسها ی ضخیم و دارا ی قا ت ها ی بر جسته به تن‌دارند بالاخره از نگاه کنده‌کاری‌و تزئینا ت ما هرا نه غنی میبا شدوحتی از نظر بکار برد مورد ساختما نی ویژگی ها یی دارد . با النتیجه این حقیقت را میتوا ن پذیر فت که « هنر گند ها را با ثیرا ت بسیا ر عمیق‌بر زند گی هنر وار کتکچر ـ این حوزه وارد کرد زیرا قر ن ها ادا مه یا فت . وقتیکه ما دقیقانه مجسمه‌هارامطالعه‌می کنیم در میا بیم که آنها یك

---

۲ ـ تکامل کلتور هند ی نو شته B.N. Luniya(۱۸۳)

۱ ـ تکا مل کلتور هند ی نوشته B. N. Luniya او بیا صفحه ۱۸۳

زند گی دلچسپ را که دو هـزا رسا ل قبل آغا ز یا فته انعکا ســس می دهند . لو ح تحر یر و قلم نی‌که بودا به حیث یك طفل دبسـتان به کار میبرد هنو ز هم در دســـت‌اطفا ل مدرسه در این سا حه دیده میشود . لنگی ها ی را که بزرگا ن‌می پوشیدند ودر پنل هادیده مـی شـو ند هنوز هم از بین نر فته‌است‌پاپوش های بودیزاتوا ها هنوز هم در سوابی Tehsil تهسیل Swabi ناحیه‌مردان‌مورد استعمال‌دارد بسیار ی از الات موسیقی که در-فریز ها نشان داده شده‌است هنوز هم نواخته میشود تز یینا ت‌بسیاری‌از مردا ن وزنا ن تا اکنو ن تغـیر نکرده است .عین اشیا ی کلا لــی‌فرنیچر گاو آهن رابکار میبریم پایه های سر ستونی کور نتین پر سپو لیتنی باسر ستو نی ها ی دارا ی برگها ی اکا نت که از سنگ بـه‌چو ب کا پی گردیده است هنو ز سقف خانه ها ی ما را برافرا شـته‌است رواق های استوپه در دیوا ر هابرا ی نگهدار ی ظرو ف(طا ق)تکرار گردیده است شهرها دارای قلعه ها واستحکا ما ت و خانه های‌حصار دار که در هنر گند ها رانشان داده شده‌است تا حا ل در نوا حی‌سوات دیر، باجا ورو (گردو نواحی کشور ما) دیده شده میتواند لباس‌کوشانیا ن هنو ز هم بوسیله‌کهن سا لان واطفا ل پوشیده میشود ...

گلها ی لو توس هنو ز هم در -دررازه ها ی چو بی حك میگردد . و بسیار مثل این چیز ها بیست‌که‌امروز زنده ما نده و نشا ن هنـــر گندهارا میباشد. (۱)

---

۱ ـ افسا نه بو دا در مو زیم پشاور فدالله صحرا یی صفحـــه (۹)

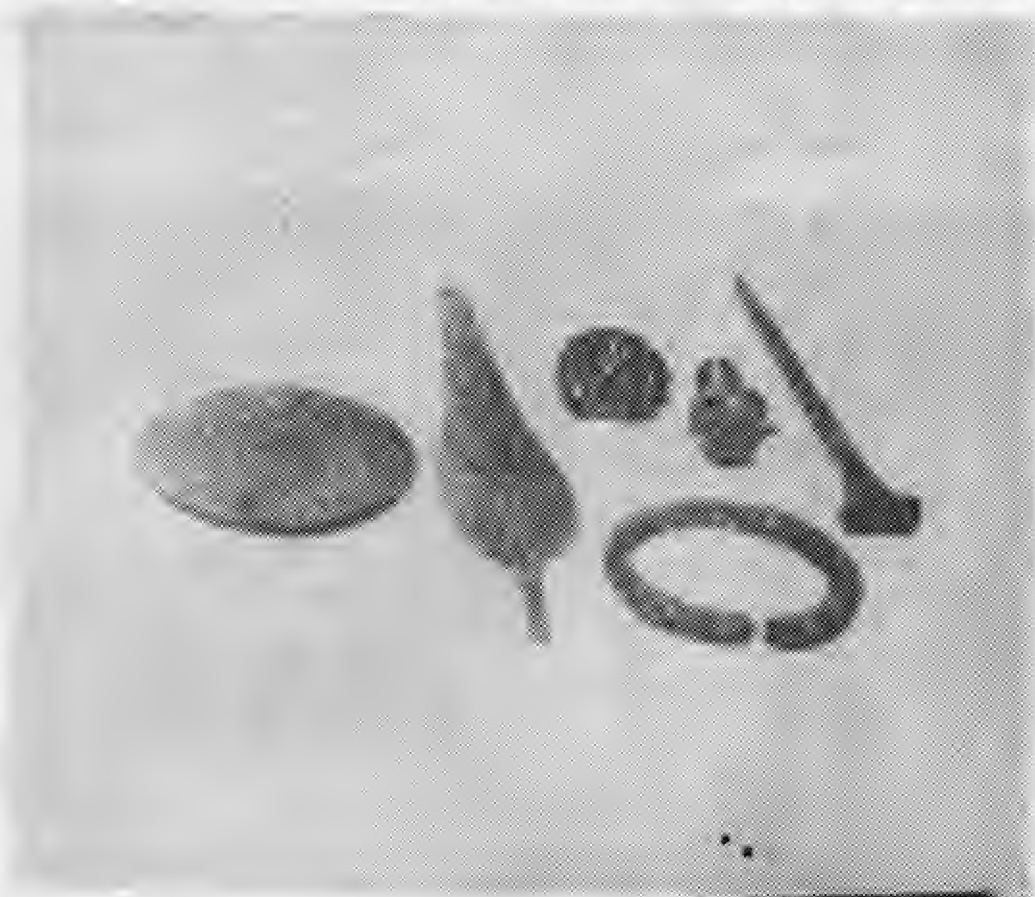
* * *

نمود های هنر فلز کاری در افغانستان

آثار فلزی که در ین نما یشگاه‌به نمایش گذاشته شده است‌عبارت از آثار دورهٔ قبل التاریخ‌وآثاربودایی‌مسکوکا ت و دوره اسلامی میباشد. درینجا میخوا هیم مطلب از استعمال‌آثار فلزی وصنعت آن در کشـــور عزیز را شرح : دهیم صنعت فلز ازازمنه بسیار قدیم درجوامع‌بشـری رائج بود ، وقتیکه بشر فلز راکشف‌نمود آنرا غر ض رفع احتیا جا ت‌و ضروریا ت خود به کار برد ، که‌ازدورا ن قبل التاریخ الی عصر حاضر بشر برای پیشرفت وبهبود ی خویش‌ازا ن کار گرفت ، آثار وادوات که در دوره قبل التاریخ‌از فلزا ت‌تو سط انسا ن سا خته شده‌است خیلی ساده وبسیط بود ، امـــا درطو ل تاریخ بشر ، در صنعـــــت فلزا ت پیشر فتها ی قا بل ملاحظه‌رخ داده است که مثا لها ی خو ب صنعت فلز کار ی را در و طـــــن‌عزیز خویش که ارتبا ط به دور ه ها ی قبل التاریخ و دور ه‌اسلا می‌دارد ، در ین نمایشگاه و مو زیـم ملی افغانستا ن دیده میتوا نیم .

در جامعه قبـــــل التاریـــــــخ‌این مر ز بو م آثار فلز ی از قبیل نوك پیگان ،کارد ،سیخـك، آینه ،مهر، تاپه ،ظرو ف وغیره کـه بـه مهار ت سا خته شـــد ه اســت ونمو نه های آن از حوزه ها ی قبـل التاریخ کشور عزیز ما چـــــون‌منديگک ،اق کوپرك ، شمشیر غا ر ده موراسی ،دشلی تپه ،جغه تپه ،دلبر جین تپه ، سیستا ن و غـیره نقاط کشف شده که از تما م نقاط‌متذکره آثار فو ق تو سط کاوشهای علمی از طر ف باستا نشنا سا ن‌افغانی وخار جی بدست آمده است

قرار شکل (۱) در ادوا ر تار یخی نیز صنعت فلزا ت در کشور مـــا پیشر فت نموده چنانچه در عصـــر یونان باختر وکوشا نیا ن وغیـــره نمو نه ها ی خو بی از آثار فلـــزی‌دار یم که از سا حا ت ای خا نم



بگرام، طلا تپه وغیره نقـــاط کشف‌گردیده است . به طور مثا ل مسکو کا ت یو نا ن باختر که در همین سرزمین خراسا ن یا آریانا قد یم به ضر ب رسیده . شکل (۲) ازمسکوکات که در خود یو نا ن سا خـته شده‌است .

بهتر بوده که لیا قت صنعتگران‌آن دوره را به ما روشن میسا زد، همچنا ن آثار طلاتپه که نظـــیرآن تا حا ل در جها ن یا فت‌نگردیده نیز در ین سر زمین بد ست هنر‌مندا ن وکسبه کارا ن و طن عزیز ما ساخته شده است .

آثار فلزی دورا ن اسلامی کـــه‌در ین نمایشگاه به نما یش گذاشته شده است ، قابل دقت واهمیت‌خا ص بوده ، راجع به صنعـــت فلزا ت این دوره باید کمی عمیـــق‌ترمطالعه نماییم .

اعرا ب در ابتدا ی ظهور اسلام‌ازخود کدا م هنر پیشر فته ندا ـ شت ، اما بعد از ظهور د ین مبین‌اسلام مسلما نا ن فتو حا ت‌سریع خود را به طر ف غر ب وشـــر ق‌توسعه دادند (۱) یعنی مسلما نان در مد ت کمی اضا فه از یك قر ن‌امپرا طور ی بزرگ رو منها رادر غر ب وامپرا طور ی ساسا نیا ن‌رادر شر ق از پا انداخته امپرا طوری بزرگ را که از عسیا نیه‌الی‌اسیای‌مرکزی وسعت داشت تا سیس



نمودند وبـه طرف غـرب تا هسپانیه وبه طر ف شر ق الی ترکستان غربی وسند حدود آن میر سید .(۲)

(1) Metalli Islamic Umberto Scerato. 1966 Milano,p:7...
(II) Islamic Metal warki nn the British Museum by D. Barreta London 1944. p.5...

اعتقاد مشترك مذهبی کسب نمودند .

طوریکه قبلا نیز اشاره شد ،که اعراب به طرف غرب بافتح سوریه ومصر باامپراطوری بزرگ بزنطین به تماس شدند و مرکز خویش را امویان (۷۵۰ ۶۶۱) میلادی شهر دمشق قرار دادند .

چون سوریه و مصر تحت تاثیرمستقیم هنر های پیشرفته یونان وروم واقع شده بود اعراب نیزدر جذب هنر های غربی نقش مهم را بازی نمود.(۳)

درسال ۷۵۰ خلافت از امویان به عباسیان توسط ابو مسلم خراسانی انتقال یافت .

مرکز سیاسی و کلتوری نیز ازدمشق به میز و پوتامیا یعنی بغداد امروزه منتقل گردید ، درنتیجه با امپراطوری ساسانیان به تماس شدند ، ساسانیان نیزدارای هنر و تمدن پیشرفته بودند درین صورت مسلمین با تمدن های بزرگ یونان روم در غرب و با تمدن ایران وآسیای مرکزی وهنددرشرق بر خوردند ، تمدن و هنر های آنهارا پذیرفتند . طوریکه درتاریخ مذکور است ، که آموی ها برای اعمار شهر های جدید ،قلعه ها ،مساجد از تمام ایالات مفتوحه مواد و کسبه کاران راجمع آوری واستخدام مینمودند که این رویه حتی در دوران خلاقت عباسیان نیز دوام داشت .

از هنر وتمدن شرق و غرب مسلمین به وجهه احسن استفاده نمودند وبعضی ابتکارات را نیزازخود نشان دادند .

چون در مذهب اسلام هنر نقاشی ومجسمه سازی جائز نبود ، ازین سبب هنر مندان اسلامی به کار های معماری و صنایع مستظرفه محدود ماند در صنایع مستظرفه مخصوصا فلز کاری بسیار پیشرفت نمودند، که ماایـن مبحث را به نسبت آثار دست داشته خویش که در ین نمایشگاه موجوداست زیاد تر تشریح میدهیم .

مسلمانان در کار هایکه بهفلزات تعلق داشت به درجه اعلی رسیده بودند ، که در ساختن بعضی آثارفلزی به اندازه ماهر بودند که حتی استادان امروز هم نمیتوانندباآنها در ین فن همسری نمایند.

(4) Lhand book of Moha- mmadon Art by M.S Dim and New York 1944

ظروف والات حربی ، گلدا نهاوغیره افزار را بانقره تر صیع ویا منبتکاری مینمودند ، دانه‌های قیمتی رادر ان نصب مینمودند ، تکنیک مرصع کاری یا خاتم کاری شیوه های مختلف داشته بعضی سطح فلز ویا اثر برونزی رابا قلم دست داشته خویش گور نموده به قسمیکه دهنه آن تنگ و جوف آن قدری وسیع مبساخت وبعدا مفتول طلا یانقره ویا مس را در جوف آن داخل نموده به سطح اثر مساوی مساخت یا قدری محدب وبرجسته قرار میداد که این تکنیک را طلاکوب نقره کوب و یا مس کوب می کوبند (٤)

همچنان بعضی اوقات روی برنج و آهن ورقها ی نازك زر وسیم بین دو خط متوازی که بطورحاشیه ترتیب میدهد می کوبند حتی بعضی اوقات سطح فلز را باسوهان به هر نقش که خواسته باشند ترتیب میدهند ، بعدا مفتول زر وسیم رادران با چکش می کوبند ق(٥)

هنرمندان صنایع فلزی این دوره به طور مکمل تکنیک خاتم کاری را بادیگر فلزات مثل طلا ، نقره ومس آموخته بودند ، به طور کلی درهنر اسلامی تزیینات نباتی ، تزییناتارا بیسك وتزیینات حیوانی و هندسی وجود میداشته باشد .سهم اساسی هنر اسلامی استعمال نوشته عربی به قسم آرایشی بوده که به زبان ونوشته آن هر دو در هنر اسلامی اهمیت مساوی داشته همیشه هنرمندان دربنا های وظروف وغیره سوره‌های قرآن رادر جاهای مهم جاه میدادند، چنانچه در مساجد اکثر سوره هادر حصه بالایی واطراف محراب نوشت میشد و قدیمترین نوشته عربی که برای تزیینات بکار رفته است رسم الخط کوفی میباشد .

---

(٤) تمدن عرب واسلام تالیف دکتور گوستا لوبون صفحه ٦٦٨

* راجع به خط کوفی میخواهم چند کلمه را از کتاب تاریخ تمدن اسلام تالیف جرجی زیدان باترجمه ونگارش از علی جواهر کلام درین جا کاپی نمایم .

((در آثار باقی مانده از اعراب حجاز چیزی در دست نیست که بر خط وسواد داشتن آنان دلالت کند،در صورتیکه از عربها ی مقیم

که این خط را در ابتدا برای نوشتن قرآن کریم و مسایل دینی تخصیص دادند و خط دیگر ی بنا م نبطی رادر نوشتن نا مه ها ی رسمی وعادی معمو ل میدا شتند ، اما در قر ن دهم نوشته نسخی زیاد معمـــول گردید . حرو ف این نو شته هـــا بعضی او قا ت با تزیینا ت سبز ه گل وبرگ ترکیب می شد، دربعضی اوقات حصه با لایی حرو ف بشکل کله انسا ن قرار شکل (۳) نشا نداده شده است .تزئینات ارا بیسك که اصلا از تزیینات گیاه ،گـلها وغیره مشق گردید که مثالهای آن در قدیمتر ین هنر اسلا می ظا هر شده است ودوا م و جود آن در طو ل تاریخ ملاحظه میگردد .

شما ل وجنو ب حجا ز آثار کتابت بسیار مو جود میباشد ، مشهور- ترین آن اعرا ب مرد م یمن هستند که با حرو ف مسند نوشتند ودیگر نبطی ها ی شما ل که خط شـــان نبطی بوده وهنوز آثاری کتبی آنان درنوا حی حورا ن وبلقا ء مو جـودمیباشد و علت بیسواد ی بود ن آنان این بود که مرد م حجا ز یا اعرا ب زند گی صحرا نشین داشتند ،خوا ند ن ونوشتن از عا دا ت مـــرد م شهر ی میباشد ، ازا ن رو تا کمی پیش از اسلام کتا بت در میـــا ن اعرا ب حجاز معمو ل نبوده است، اما بعضی از مرد م حجا ز که کمی پیش از اسلام به عرا ق وشـــام میر فتند ، با اخلاق شهر نشینـــی آشنا میگشتند وبه طور استعـــا ره نوشتن را از عرا قیا ن وشا میا ن فرا میگر فتند و همینکه به حجا ز میامدند عر بی رابا حرو ف نبطـــی یا سر یا نی ویا عبرا نی مینوشتند وخط سریانی ونبـــطی پس از فتـــوحات اسلام نیز میا ن اعرا ب با قی مانده وتدریجا از خـــط نسخ (دا رج) پدید آمد و از سر یانی خط کوفی پیدا شد . حفظ کو فی در ابتدا به خط حر ی مشهور بود وآنرا به شهر حیره از شهر های عربی عـــرا ق نسبت میدادند وبعد ها که مسلمانان در نزدیکی حیره شهر کو فه راساختند شهر ت خط حر ی به خـــط کوفی تبدیل یا فت و این میرساند که سر یا نی ها ی مقیم عرا ق خط خود رابا چند قلم مینو شتند، که ازآن جمله خط مشهوربه ((سطر نجلی)) مخصوص را از سریانی ها اقتبا س کردند ویکی از وسایل نهضت آنان همین خط بوده است وبعدا خط کوفی ازهما ن خط پدید آمد و هر دوخط از هر جهت بهم شبیه هستند) .



ارا بیسک به صور ت مجـــــرداحساس تزیینا ت را نشا ن میدهد طر ح ارابیسک همیشه تما م سطح یک اثر را تزیین مینا ید . علاوه از آن در حاشیه ویا یک سا حه یک اثرحتی در بنا ها نیز این تزیینا ت استعما ل گردیده است .

همچنان طر ح ها ی هند سی هنراسلامی از دنیا ی کلاسیک بعد ی به ارث گرفته شده است وآنها راتایک در جه پیچیده تحو ل داده است . علاوه بران بعض اوقات تز ئینات اشکال حیوانی پرنده و هم بعضی او قا ت بشکل انسا ن در دوره هـــــا ی بعد ی اسلام استعما ل شده است که مثالها ی زیاد ی در مینا تـــورهای اسلامی وبعضی ظروف که بـه صحنه شکار ، جنگ ، رقص وغیرتزین میباشد یا فته میتوا نیم هنـر خاتم کاری خلق شد که بعدا در تمام شر ق نزدیک پخش گردید و درقرن سیزده مو صل در شما ل میز وپو تامیا یعنی عرا ق امروزه مر کز بزرگ خاتم کار ی گردید .

به وضا حت گفته میتوا نیم که این آثار هنر ی دوره اسلامی که به نمایش گذاشته شده اســـت ، وشبهٔ آن در کلکسیو ن مو زیـــم

ملی افغانستا ن و مو زیم غز نـــیموجود است که اکثر آن به دور ه غز نویا ن وبعضی از آن به دور هغوریا ن وسلجو قیا ن تعلق دارداز این رو میخوا هیـــم به تاریـــخدوره غزنو یا ن و صنایع مستظرفه آن مختصرا نظر اندازی نما ئیـم.

غزنی یکی از شهر ها ی مهـــمافغانستا ن که بنا م غزنه یاغزنـــی شناخته شده در قد یم مر کز مهمافغانستا ن بشمار میر فت ، امــــا در مقابل کابل تما م اهمیتتاریخیسیاسی تجار تی خود را از دست داد .

شرو ع تاریخ قد یم شهرغز نیبه صور ت واضح معلو م نیست ، به یطولو می آنرا بنا م کزه کـــهیاد نموده از طر ف یونا نیا نبدون کدام اساســـ بنا م گزو ســـیاد شده است وشا ید عبار تباشد از Ho-SI-Na سیا حچینی بنام هیوانتسانگ Hayrn-Tsang کهدر قر ن هفت میلادی از آن یادآور ی نموده است . او مینو یسد که :غزنی درآن وقت مر کـز مهمبودا یی بوده چنانچه ستو په ها ی بزرگ بودا یی در شر ق شهـــرغزنی از طر ف هیئا تی باستانشنا سی ایتا لو ی وافغانی کشف و همدر نفس شهر غزنی یعنی در عقب هوتل فر خی نشانه ها ی آبـــداتبودا یی مو جود میباشد که شا هد این مـدعا اســت چشم دید خــو دنویسنده و قتیکه سامانیا ن ضعیف وقتیکه سا ما نیــا ن ضعـــیفگردید یکی از جنرا لها ی آنهابنام الپتگین ۹۶۲ میلادی به غزنی آمــدوسر کرده بو می آنجا را مطیعخود سا خت واساس حکو مت را درآنجاگـــذا شـــت این فتح قطـــعی مسلما نا ن در ین نا حیه شمر دهمی شود . در دهه او ل سبکتگیـــن به ســـر اقـــتدا ر آمد و اسا سحکو مت رادر آنجا گذا شت کهبنام غزنو ی یاد میشود ۱۱۸٦ ـ ۹۷۷میـلادی (۵) در شـــروع سلطنـت سبکتگین وپسرش محمود (۱۰۳۰)۹۹۷ خراسا ن رابنا م برا یحکو-مت ختم شده سا ما نـــیا ن ادارهمیگرد لیکن در ۹۹۹حکو مت ساما-نیان توسط هجو م تر کهـــــا ازآسیا ی مر کزی مضمحل شد ،این اطا عت ختم گردید ، سر زمیـــنسامانیا بین محمـــود و قره خانید که تازه به قدر ت رسیده بودتقسیمگردید

---

* چشم دید و راپور خودنو ـیسنده

(4) The Archeaology of Afghanistan by F.R Mllch in and Normand Hammand, London, 1978 pp. 302-303.

و در یا ی اکسو س بــه طـو رسرحد طبعی بین آنها تعین شد بعـدا سلطان محمود فتوحات خودرا به طرف شر ق توسعه بخشید و یك دور مهم غزنو یا ن شرو ع شد .راجع به این دوره غز نو یا ن در تاریـخ که بنا م سلطنت غز نو یا ن یاد میشود چنین آمده است ((درین شك نیست که دوره محمود دوره تر قیو روا ج علو م وادبیا ت بود ،غزنی دانشگاه شر ق و کعــبه فضــلاوپرورشگاه گو یند گا ن بزرگــك محسو ب میشد و چند ین دانشمندحکیم ، شاعر و گو ینده در ا ن روز گار بودند که همه در سا یه حمایت پرورش وتشویق شهنشاه بزرگـك مشغو ل تا لیف و تحقیق وسخـن را نی ونگا رش بودند شعرا ی لسان در ی در آن و قت بکما ل نضج و عرو ج خود رسیده بود تا هنو ز طو س استاد چــون فردوسی بلـخ شاعر چو ن عنصر ی و سیســتا ن گوینده بزرگی چو ن فر خی وغزنه عار ف چو ن سنا یی ندارد))

همچنان این عصر یك عصر صنعت وحر فت به شمار میر فت ، مخصو صا صنایع مستظر فه به حد اعلی خود رسیده بود، نقاشی مـعمار ی و غیره صنایع تر قی زیاد نموده بود که از همه مهم فلز کار ی عصــر غزنو یا ن میباشد . در همین عصر یعنی قرن ۱۵ـ۱۱ هنر ریختگری آثار برنزی با تزئینات نیمه بر جســته مانند اینه ها ، پلا کها باشــکا ل حیوانات مز ین بود کــه تکتیــك در میزو بو تامیا وایرا ن شر قــی مشق وتمر ین میگردید . به طــورمثال بعضی اینه ها که در خراسا ن ساخته شده است و به قر ن ؟

تعلق دارد همچنین بعضی اینه های دیگر که به اشکا ل حیوا نا ت نو ـ شته ودیگر تز یینا ت مز ین شده تاریخ آن به قر ن ۱۲و ۱۳ میرسد از هنر فلزا ت عصر غزنو ی ما ازتخت یاد آور ی مینا یم کــــه در دورا ن مسعود او ل در مد ت سـه سا ل ساخته شده بود . در تاریـخ بیهقی چنین آمده است ((...وتخت زرین وبسا ط و مجلس خانه که امیر فرموده بود وسه سا ل بدا ن مشغول بودند وبیش از این را ست شد و امیر را بگفتند فر مود تا درصفـه بزرگ سرا ی نو بنهند و بنهادند وکوشك را بیارا ستند و هر کســ که آنروز آن زینت بد ید پس ازان هر چه بدید و ی را به چشم هیــچ ننمود از آن من بار ی چنین است از

---

(۷) یکتا ب بنا م سلطنت غزنویان چا پ کابل مو لف خلیل الله خلیلی.

آن دیگرا ن ندانیم تخت همه از زرسر خ بود و تمثالها و صور تهـــا چو ن شاخها ی نبا ت از و ی برانگیخت وبسیا ر جو هر در ونشانده همه قیمتی ودر افز ینها بـــرکشیده همه مکلل با انوا ع گوهرو شاد روا نگی دیبا ی رو می برو ی‌تخت پوشیده وچهار با لش‌ازشوشه زر با فـــت و ابـــر یشم آگـنده‌مصلی وبا لشت پس پشت و چهار تانزدیك صفه تاج و تخت و تـا جرادروبسته وچهار صور ت و رویین صور ت او یین ساخته بر مـثـا ل‌مرد م وایشا ن (بر) عمود هـــا ی آبگیخته از تخت استوا ر میداشت‌وزیر کلاه پادشاه بود واین صفـــه را بقالیها ودیبا ها ی رو می بزر وبوقلمون بزر بیا را سته بـود نـد وسیصد و هشتاد باره مجلس‌زرینه‌نهاده هر بار . یك گـــز دراز ی و گزخشك تر پهنا باره یا قو ت‌رمانی‌وبد خشی و زمر د و مر وار ید و فیروزه آن بنهادی خانهٔ خوا نـــی‌ساخته بودند بمیا ن خوا ن کوشکی از حلواتاباسما ن خانه وبروبسیابره‌نقطه‌امیررضی‌الله عنهوازباغ‌محمودی برین کوشك نو باز آمد و در یـــن‌صفه بر تخت زرین نشست)) (۸)

از گفتا ر فو ق تاریخ بیهقی بـــه‌وضاحت معلوم میشود که د رو ثت غزنویا ن مخصو صا محمود ومسعوداو ل هنر فلزا ت و خاتم کار ی‌به در جه اعلی خود رسیده بود . درین‌عصر مرا کز مهم صنایع فلزا ت‌در شر ق ایرا ن خراسا ن سیستا ن‌که حصه بزرگ افغا نستا ن امروزه را احتوا میکند و هم در آســـیا ی‌مر کزی مو جود بود ، در ین باره شوا هد زیاد ی از مور خـــین وجغرافیه نویسان قد یم مو جـــود میباشد .

این مناطق با صنا یع دســـــتی‌خویش فو ق العاده مشهور بو دند ویك تجا ر ت خو ب داشتنـــد درخراسا ن شهر هرا ت ، نیشا پور مرو و در آسیا ی مر کزی سمر قندبخارا از نقطه نظر صنایع مستظرفه اهمیت خا صی داشت ،متاسفانه‌از دوره ها ی قد یمی کدا م مثـال در دسترس ما نیست اما آثار یکه‌در قرن دوازده سا خته شده و در بعضی آنها امضا ء یا نا م هنرمندی‌که‌آنرا ساخته است ، مو جــــود

---

(۸) تاریخ بیهقی تصنیف خوا جه‌ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر طهران ۱۳۲۴ صفـحه (۵۳۵_۵۴۰)

میباشد . اگر چه ظرو ف زیاد ی که‌محل اصلی آن واضح گردد موجود نیست با آنهم اکثر آثار برو نز ی‌در شهر هرا ت ساخته شده است که فو ق العاده قابل اهمیت بوده ،به طور مثال ظرو ف برو نز ی که دارا ی اهمیت بین المللی میبا شدو تحو ل تکنیك خا تم کار ی‌رانشان میدهد در هرا ت ساخته شده است‌این ظر ف عبار ت از د یك‌کوچك برونز ی است که نه تنها نام هنرمند آنراساخته است بلکه جـا ی آنرا نیز بیا ن نموده است نظر به‌کتیبه که‌درا ن حك شده ظـــرف مذکور در هرا ت تو سط محمدابن‌عبدالوا حد ساخته شده و توســط استاد دیگر بنا م مسعود ابن احمددرسا ل ٥٥٩ مطابق ۱۱۶۳ عیسوی خاتم کار ی گردیده است ، تزیینات‌آن مشتمل به پنج نوار افقی بو ده که دو نوار آن صحنه ها ی جنگ‌وشکار و صحنه ها ی خوشـی در حالت نوشیـد ن شـرا ب وباز ی‌کنا ن میباشد . رقا صه ها وساز- ند گا ن در حا لت نوا ختن دیده‌می‌شو ند وسه نوا ر دیگرا ن دارا ی نوشته کو فی به تیف ها ی‌مختلف‌میباشد . نوشته ها ی که کله‌انسان یاحیوان را تمثیل مینما ید دلچسپی‌خا ص دارد که چنین نو شته رادر شکل (۳) در مو زیم Cleveland میباشد (۹) نیز به مشا هده میرسد



از این اثر میتوانیم خا تم کار ی‌قرن ۱۲ تمیز دهیم ، همچنا ن آفتا بـه برونز ی که در موزیم هرا ت موجود میباشد واز نطقه نظر شکل بـــه نخستین نمو نه ها ی سا سا نـی شبا هت دارد ، در حصه تحتا نـی آفتا به مذکور نوشته مختصر ی‌که تنها نا م (بکر بن عبدالعز یز) را نشا ن مید هد به خط نسخ نقـــره کو ب شده و بدو ن تز یینا ت‌می باشد . از رو ی نوشته وکر کـتر خط آن معلو م میشود که به آخــر قر ن نهم و یا وسط قر ن دهم تعلق‌داشته باشدشکـل(٤) همچنین‌افتابه

(9) Ars Orientals Vafume II 1957 PL I

برنجی که در موزیم ملی افغانستا ن تحت نمبر (۱۸٦ ـ ۲ ـ ۵۸) راجستر و مو جود است فعلا بـه کلکسیو ن هنر اسلامی به نما یش گذاشته شده است عینا به قسـم تکنیك طر ف مشهور که در سا ل ۱۱٦۳ میـلاد ی در هـرا ت ساختـه شده می باشد . ایـن آفتابه به دارا ی شکل استوا نه رخداد که با لای رخهـا ی آن کتیبـه به رسم الخط کو فی نقر ه کـو ب گردیده است . به صور ت بسیار نفیس کار شده شکل (۵) نظیر این افتابه در مـو زیم تفلیس که در سا ل ۵۷۷ هجر ی مطا بق ۱۱۸۱ در شهر هرا ت سا خته شده است نیز وجود دارد . در افتا به مو زیم تفلیس درهر دو طرف گردن خو د شکل دوانسا ن به صور ت اپوسی کار شده در صور تیکه درافتـابه موزیم ملی افغانستا ن شکل دوشیر بصور ت اپوسی کار شده و هـم افتا به مشا بـهـه درمـوزیم لو رفرانسه که ۵۹۰ هجر ی سا خته شده است دیده میشود از شکـل وتکنیك ساختما ن و تز یینا ت آن معلو م میشود که آفتا به مو زیم ملی افغانستا ن هم بدو ن تردید به قرن شش هجر ی مطابق ۱۲ مسیحی درغزنه یا هرا ت سا خته شده است بعضی ظرو ف دیگر ی نیز در مو ـ موزیم ملی افغا نستا ن و جوددارد که شاید تاریخ آن به قر ن هفـت حجر ی مطابق قر ن ۱۲ ـ ۱۳ میلادی میرسد این نو ع ظرو ف عبار ت ازهاونها چرا غها ی دستی پا یه دار میباشد طر یق سا خت و نقو ش آن قابل ذکر میبا شد (۱۰) درموزیم ملی افغا نستا ن آثار برو نـز ی فراوان موجود است کـه اکثر ایـن آثار تو سط مرد م منطقه بـدو ن کاو شها ی علمی بد ست آمـده است آثار مذکور از طر ف ادا ره موزیم در مقابل قیمت اخذ و بـه کلکسیون خود افزوده است .علاوتادر کلکسیو ن ها ی مـو زیـم هـا ی و لایـا ت نیـز آثا رمهم فلزی مو جود است در نتیجه بابد گفت که در سر زمین و طـن محبوب ما در قر ن یازده ـ سیزده که تصادف به دوره های غز نـویا ن و غور یا ن مینما یند آثا رفلزی به پیمانه وسیع تو لید گردیده است این آثار برونز ی از ازهر حیث باهم شبا هت دارد . آثار یکه در یـن نمایشگاه برا ی نما یش بینند گان محتر م گذاشته شده است ازنقطه نظر تکنیك شکل و فور م تزیینا ت وغیره کاملا با آثار کلکسیو ن های سابقه موزیم ملی شبا هت دارد .

پس گفته میتوانیم که این آثا رپلاستیک محصو ل دست هنر مندان ورزیده این سر زمین باستا نی بوده‌است .



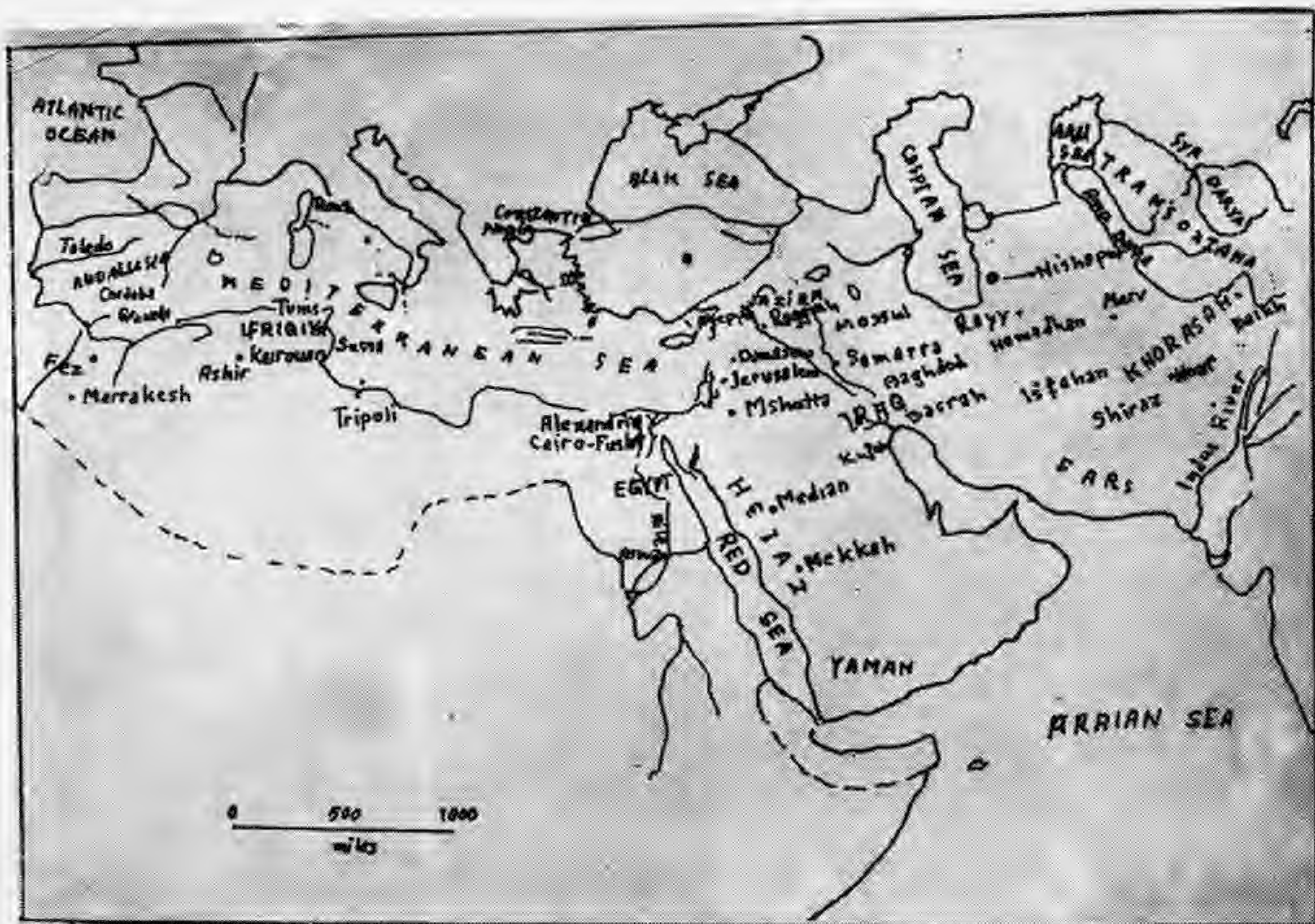
باید یاد آور شد که قبلا درین‌باره از طر ف مستشر قین بصورت مفصل و خا ص مطا لعا ت صور ت‌نگرفته لیکن در عو ض با صنا یـع

مستظرفه اسلامی دوره های اموی‌عباسی سلجوقی و غیره از طرف دانشمندان غربی مطالعات انجام‌داده شده ، که به هر دوره یك‌سبك خاص قائل گردیده است . ازطرف‌دیگر چون به همه اهل علم و هنر هویدا است که دوره غزنو یا نیکی‌از درخشان ترین دوره عصر اسلامی در کشور محبوب ما به‌شمار میرود و صنایع مستظرفه درین عصر به حد اعلی خود رسیده‌بود .

ویك نقطه قابل یاد آوری است‌که آثار این نمایشگاه نسبت به آثاریکه در کلکسیون موزیم ملی‌میباشد بهتر وسالم میباشد این آثار از طرف شخصیکه جمع‌آوری‌گردیده بهترین نمونه هارا انتخاب نموده است اما درکلکسیون‌موزیم هر چیز یکه بدست آمده نگهداری نموده است اینك عکس‌های منتخب از بعضی آثار را برای قضاوت بینندگان محترم باشرح‌تقدیم میدارد .

۱ـ٦





دنیای اسلام در قرن دهم میلادی

اقتباس از کتاب هنر اسلامی تألیف Oleg Grabar

شرح بعضی عکسهای منتخب ازآثارنمایشگاه

۱ ـ مجسمه بو دا نشسته بـــه حالت تفکر از ستو ك

۲ ـ یك صحنه جا لب بو دا یی که خانمی طفلی را نزد یك بر همن آورده است (که شا ید خا نم مذکورمها ما یا و طفـــل سیدا رتاباشد) در کنار آنهاسه پرسو نا ژ دیگر جلب تو جه میکند از سنگ شیست

۳ ـ یك اتلانت از ستو ك

٤ ـ صحنه بسیار جا لب بودایی در آن قسمت تحتا نی سه صحنه که بوسیله ستو ن پا یه ها از هم جداشده اند جلب تو جه میکند ازراست به چپ صحنه او ل خوا ب ملکـــه مـــایا

در یکی از شبها ملکه ما یاخواب می بیند که فیل سفید ازنا حیه راست به آهستگی و آرا مش تما م داخل بطن او میگردد و صبح آنشب نزد شاه کاپید واستو فنه از خواب خود بو ی خبر مید هد و تقا ضامی کند که شاه از بر همن ها بخواهـــد که خوا ب او را تفسیر کنند .

صحنه دو م تفسیر خواب :

شاه مطابق به آرزو ی ملکه مایادر یك لحظه تما م بر هم ن هـــای ورزیده را که در تفسیر خوا ب شهر ت بسزا ی داشتند فرا خواند تا خواب ما یا را تفسیر کنند . برهمنان متفقا گفتند که مایا آبستن است و طفل پسر بدنیا خوا هدآوردشاه خوشحا ل گردید به آنهاخوش آمد ها گفت وهدایا ی زیادبخشید.

صحنه سو م تولد بودا

وقتیکه ماه اخیر مایا فرا رســیدمایا (Maya) تصمیم گرفت که به خا نه پدر خویش به دیواراهابرود . پادشاه امر داد که سر ك از کاپیلا واستوا لی دیواد ا ها احداث وتزیین گردد و قتیکه همه چیز آماده

گردید مایا از یك نخت روا ن بـــه‌همرا هی خد متگارا ن حر کـــت کرد و به در ختا ن لو مبینی رسیدملکه تحت تا ثیر در ختا ن زیبـــا قرار گرفت و مصمم شد مد تی‌رادرآنجا بگزراند در با غ هنگا میکـــه از را یحه گلها و نغمه پر ند گـا ن‌لذت میبرد جز به از زیبا یی شا خه های پر گل را احساس کرد وقتیکه‌مایا دست بسو ی شا خه پر ازگل دراز کرد شا خه گل پایین آمـــدوطفل بدو ن تکلیف تو لد گر دید.

۵ ـ بودا ی نشسته در حا لت‌تدریس برو ی تخـــت از سنگـ شیست .

٦ ـ یك جنگجو از ستو ك

۷ ـ یك صحنه دلچسپ که دران‌موزیشن ها به بسیار تناسب جالب کنده کار ی گردیده است . ازسنگ‌شیست .

۸ ـ صحنه نیم بر جسته وبسیاردلچسپ از سنگ شیست که را م کردن فیل و حشی را بو سیله‌بودانشا ن مید هد طور یکه پسر عم‌اش که همواره بابو دا خصو مت مـــی‌ورزید با فرستاد ن فیل و حشـــی برای کشتن بودا در مقابل در وازه‌شهر راجا گر اقدا م میکند و لـــی بودا با گذاشتن دست را ست خودبرپیشا نی فیل اورا را م ومطیع‌می گرداند .

۹ ـ یك صحنه جالب از سنگ‌پشت که آمورنی (Amorini) در حا ل حمـــل گرلاند به ملاحظه میرسد .

۱۰ ـ صحنه برازنده بو دا یی‌ازسنگ شیست که بر خـور دار از غنا ی هنر کنده کار ی میبا شـــددرین اثر بودا در حا لت نشسته‌و ایستاده تمثیل شده است در خـــت‌بودی ، و اجره پا نـــــی ، فر شته گـــان وکرکترجا لـــب‌دیگربه‌جذابیت‌صحنه فو ق العاده افزوده است .

شکل یازدهم :

افنا به استوا نه یی برو نز ی‌که‌دارا ی تزیینا ت نبا تی و نو شـــته کوفی میباشد .

مربوط قر ن (۱۱ـ۱۲) میلاد ی‌محل کشف نامعلوم

شکل دوازدهم :

افنابه برونزی که دارا ی گردن‌ونوله خاص بوده مر بوط قر ن ۱۱ـ ۱۲ میلادی .

شکل سیزدهم :

افتابه برونزی رخدار که دارا ی‌تزئینا ت حکا کی شده و نو شــته میباشد .

شکل چهاردهم :

ظر ف دسته دار بزو نز ی کــه‌دارا ی تزئینا ت نبا تی ونو شـــته کوفی میباشد .

مربوط قر ن ۱۲ـ۱۳ میلادی محل‌کشف نامعلو م

شکل پانزدهم :

افتابه برونزی که دارا ی‌تزئینات‌گل و برگ ونوشته نسخی بــوده دارا ی گرد ن و قاعده بلند میباشدقر ن ۱۰ـ۱۱ میلادی محل کشف‌ـ نامعلوم

شکل شانزدهم :

عود سوز برونزی به شکل‌حیوان‌دارا ی تکنیك شبکه کار ی بـــوده مربوط قر ن ۱۱ـ۱۲ میلادی محــل‌کشف نامعلوم

شکل هفدهم :

ظروف دو لچه مانند رخدار کــه‌دارا ی تزئینات گل وبرگ اشکال حیوانا ت و نوشته کو فی میبا شده‌ربوط قر ن ۱۱ـ۱۲ میلاد ی محــل کشف نامعلو م .

شکل هجدهم :

لگنچه برنجی رخدار که دارا ی‌تزئینا ت هند سی نو شته کوفــی بوده بعضی حصص آن مسکـــو ب‌گردیده مربو ط قر ن ۱۲ـ۱۳میلادی محل کشف نامعلوم

شکل نزد هم :

سکه طلایی کوشا ن وسا سا نی‌ازنو ع سکیفت Scyphate



شکل (۱)

شکل (۲)

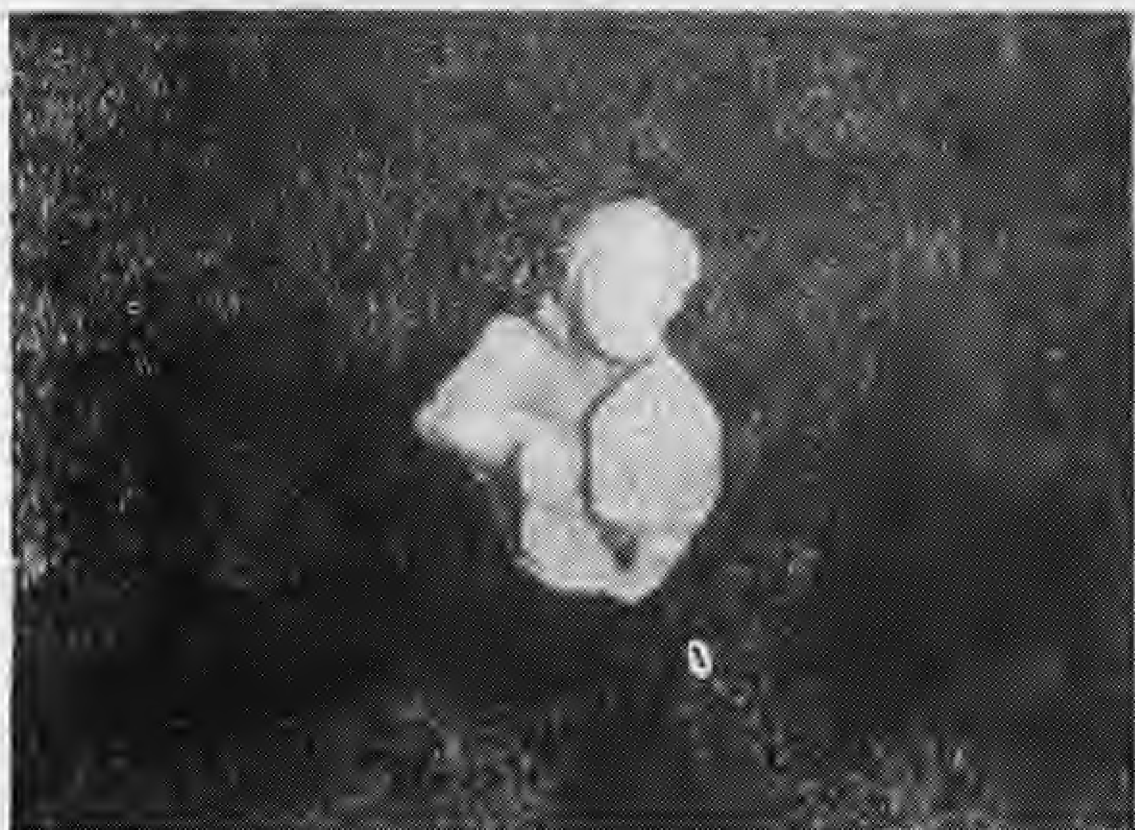


شكل (٣)

شكل (٤)



شكل(٥)

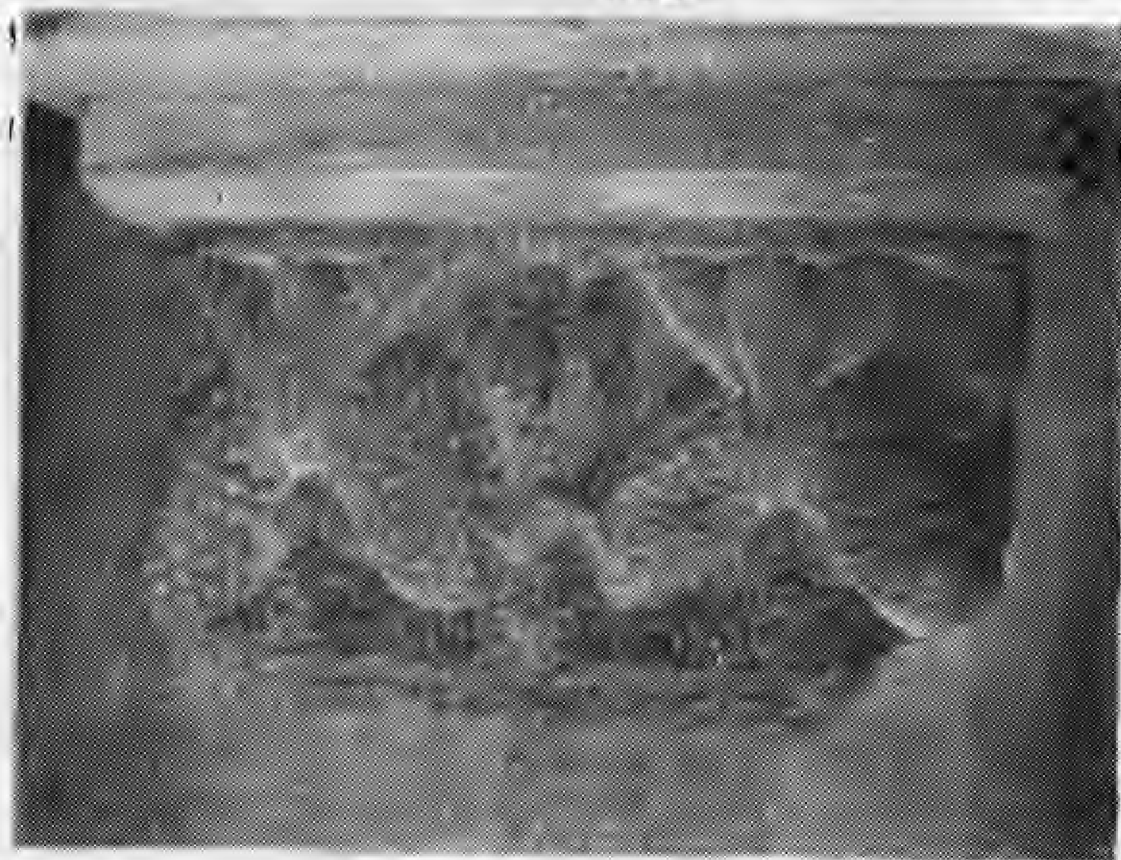


شكل(٦)



شكل (٧)

شکل(۸)



شکل (۹)



شكل (١٠)



شكل (١١)



شکل (۱۲)



شکل (۱۳)



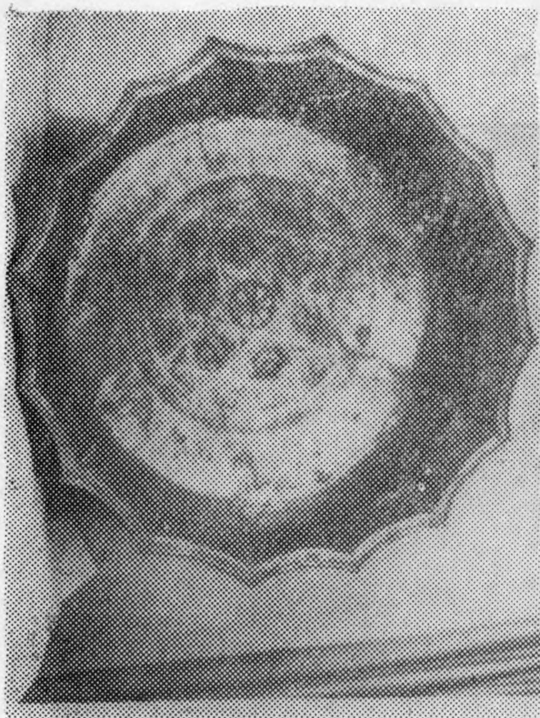
شكل (١٤)



شكل (١٥)



شکل (۱٦)

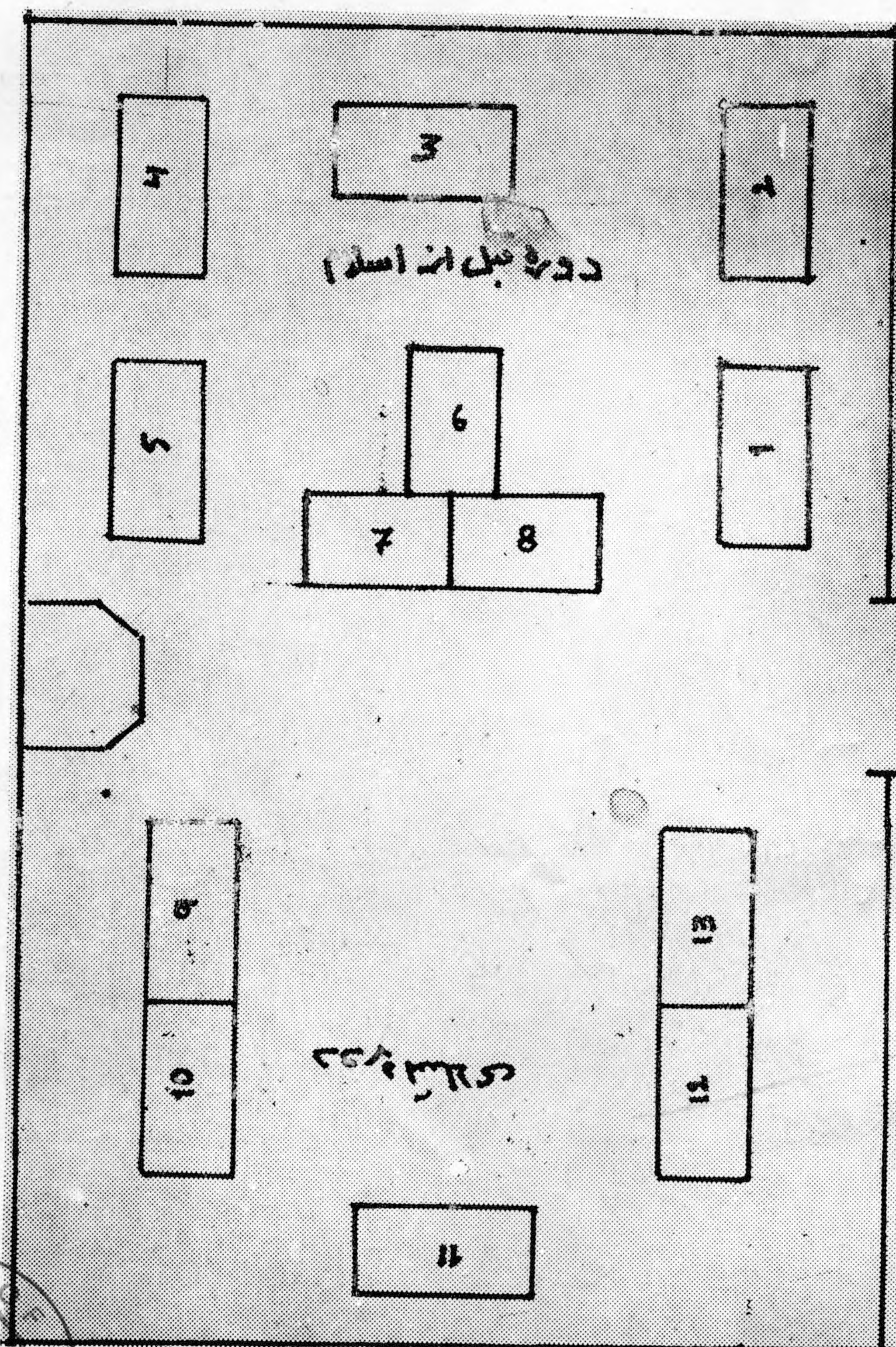


شکل (۱۸)

شکل (۱۹)



شکل(۱۷)



سکیچ از سید غلام سخی بدر

عکاسی از عزیز محمد «نوری»

دو لتی مطبعه

ate Committee for Cultur

National Museum of Afghanistan



Temporary Exhibition of

Confiscated Objects

Kabul

April - Jun 1984